

جنگ معلم مهربان با والدین آزاررسان

عکس تزئینی است

ماهرخ غلامحسین پور

«شناسایی کودکانی که در معرض زخم‌های عاطفی و فیزیکی قرار گرفته‌اند و تلاش برای کمک به این کودکان آسیب‌دیده بخش معمول و روزانه کار من است.»

این جمله «رحیم همت‌الله» با بیست و سه سال سابقه تدریس در دوره ابتدایی است. رحیم می‌گوید معلم هر پنج پایه یک دبستان دورافتاده در حومه شهرستان رامشیر استان خوزستان است.

او در مرحله اول تلاش می‌کند در حد توانش به کودک آسیب‌دیده کمک کند. با اعضای خانواده آن‌ها وارد گفتگو می‌شود. برای این کار باید جانب احتیاط را نگه دارد تا روستایی‌ها تلاش او را مداخله‌جویانه فرض نکنند. گاهی به منزل شاگردانش سرکشی می‌کند، حتی به برخی پدر و مادرها که سواد خواندن و نوشتن دارند کتاب‌های آموزشی می‌دهد، اما مواردی هم بوده که شرایط وخیم‌تری داشته‌اند. کودکانی که آشکارا نشانه‌های کبودی، پریشانی و زخم‌های فراوانی روی تنشان باقی مانده و نیازمند معرفی به مشاور یا حتی پلیس بوده‌اند.

رحیم بارها فرصت انتقالی به پایتخت و شهرهای بزرگ را داشته است. یک بار هم نامزد معلم نمونه منطقه شده، اما مایل نیست از آن محله برود. او به کوچه‌های تنگ و تاریک خلف‌آباد عادت دارد.

رحیم با اشاره به تجربه این همه سال معلمی می‌گوید: «هر وقت کودکی را می‌بینم که ناآرام و پرخاش‌گر است یا در خود فرو مانده و منزوی، می‌فهمم یک جای کارش ایراد دارد. این بچه‌ها به آموزش در مدرسه تمایل نشان نمی‌دهند. تمرکز کافی ندارند. لکنت زبان می‌گیرند یا زیاد خجالتی هستند. در بازی با هم‌سالان ثبات رفتاری ندارند، بین انفعال و پرخاش‌جویی در نوسانند و عنصر خودارزش‌پنداری در آنها به شدت آسیب دیده است. گاهی با اینکه از مراحل اولیه کودکی عبور کرده‌اند، اما رفتارهای عصبی از خودشان بروز می‌دهند، ناخن‌هایشان را می‌چونند یا تار مویشان را تاب می‌دهند.»

این معلم قدیمی می‌گوید زنگ تفریح همیشه باید نگران درگیری بین آن‌ها برای کنترل خشونت احتمالی باشد. او معتقد است بیشتر شاگردانش که از طبقه فرودست و فقیر جامعه هستند، رفتارهای خشن‌تری در مقایسه با هم‌سالان دیگرشان دارند.

رحیم می‌گوید به عنوان یک معلم اقتداری برای کمک به کودکان آسیب‌دیده ندارد. قانون از او حمایت نمی‌کند و مردم محلی به او توصیه می‌کنند وارد زندگی خصوصی شاگردانش نشود و از دردسر بپرهیزد.

«کمک به شرایط روحی بچه‌ها و آموزش مسائل انسانی برایم بیش از آموزش کتاب‌های درسی اهمیت دارد. به باور من یک دست‌فروش خوشحال بهتر از یک پزشک غمگین و افسرده با اعتماد به نفس پایین است.»

بر خلاف رحیم که نگران حمایت مراجع قانونی در مورد گزارش معلم از وضعیت یک کودک آسیب‌دیده است، در کشورهای توسعه یافته، اطلاع‌رسانی در این مورد وظیفه قانونی معلم و سیستم آموزشی است.

مدرسه یک اهرم فشار و کنترل‌کننده برای متوقف کردن والدین آزاررسان است.

مدرسه، خط قرمزی برای تنبیه خانگی کودکان

هنوز کلاس درس گرامر پیشرفته شروع نشده بود که شماره مدرسه رایان روی صفحه تلفنم ظاهر شد. خانم لوری بود که می‌گفت باید هر چه سریع‌تر به آنجا مراجعه کنم. با دلشوره از او پرسیدم «آیا اتفاقی برای پسرم افتاده؟ لطفاً بگویید حال او خوب است؟»

خانم لوری با لحن عجیب و مبهمی گفت: «تصور می‌کنم ما باید این سوال را از شما بپرسیم. پیشنهاد می‌کنم تا قبل از ساعت یک به دفتر مدرسه مراجعه کنید.»

کنجکاوی و پرس و جو فایده نداشت. همین اندازه می‌دانستم که در حال حاضر رایان حالش خوب است و دارد با بقیه بچه‌ها بازی

می‌کند. با این حال تمرکز ذهنی برای ادامه درس و مشق نداشتم. راهی مدرسه شدم. خانم لوری آنجا بود و از زیر عینک ته‌استکانی داشت سر تا پای مرا می‌پایید. مدیر و مشاور مدرسه راهی اتاق پشتی دفتر شدند که دستگاه کپی و تخت معاینه پرستار آنجا بود. خانم لوری را هم صدا زدند. نمی‌دانستم چه اتفاقی افتاده و البته که نگران بودم. وقتی برگشتند اولین سوالشان این بود که «چه توضیحی برای کبودی کمر و شانه سمت راست رایان دارم؟» آنها می‌خواستند بدانند چه اتفاقی برای پسرم افتاده و اینکه به نظر می‌رسد این کبودی نتیجه درگیری باشد.

با اینکه مورد تردید آن‌ها بودم، از این اتفاق دلخوش شدم. پسرم مورد حمایت معلم مدرسه، مدیر و مشاور آنجا بود. حتی کسی از خانواده هم خیال آسیب زدن سهوی به او را نمی‌توانست به مخیله‌اش راه دهد. توضیح دادم که شب گذشته با وجود هشدار همیشگی من، با برادرش بازی کرده و کشتی گرفته و اثر پشت کمر کودک نتیجه بازی روی سطح زیر موکت بوده است. آنها گفتند رایان هم در پاسخ به کنجکاوی معلمش همین توضیح را داده اما باید مطمئن می‌شدند. شماره تلفن برادر رایان را روی برگه‌ای که جلویم گذاشته بودند نوشتم. قرار شد از او هم بپرسند. پرستار مدرسه تایید کرد که قرمزی پوست کودک ناشی از ساییدگی است.

در کشورهایی که قانون به حقوق اولیه کودک احترام می‌گذارد، مدرسه و توجه معلم، عامل غیرقابل انکاری برای کاهش خشونت خانگی است.

«صبا» یازده سال پیش با همسر و تنها پسرش بابک، به امید دستیابی به یک زندگی بهتر راهی آمریکا شدند. اما در طول یازده سال گذشته دو عضو دیگر خانواده آنها افزوده شد. دو دختر دوقلوی هشت ساله. صبا می‌گوید شوهرش به سرعت عصبانی می‌شود: «همسرم گاهی از کوره در می‌رود و هیچ عاملی جلودارش نیست، اما چیزی نمی‌گذرد که از برخوردش پشیمان می‌شود. او قادر به کنترل خشم ناگهانی خود نیست و به همین دلیل در ایران که بودند، بارها بابک را تنبیه فیزیکی کرده بود. اما از ترس بازخواست مدرسه، این تجربه در مورد دخترانم اتفاق نمی‌افتد.»

پسر بزرگ صبا در ایران دوران ابتدایی را به پایان رسانده است. آن روزها همسر صبا هراسی نداشت که مورد بازخواست قرار بگیرد: «ساکن یکی از محله‌های حاشیه تهران بودیم. مدرسه‌های آنجا نظم چندانی نداشت. توجه کسی به کبودی تن بچه‌ها جلب نمی‌شد. یکی از دلایل این کم‌توجهی شاید چشم‌پوشی قانون نسبت به تنبیه کودک در خانه باشد. نگاه عرف و قانون به پدر به عنوان ولی و قیم کودک و کسی است که مجاز است در حد متعارف او را تنبیه کند. آموزش کودک بدون تنبیه در چارچوب فرهنگ و سیستم آموزشی ما قابل تصور نیست. کمی تنبیه، دو سه چک یا ضربه به صورت یا هل دادن و تحقیر او، هیچ‌کس را نمی‌کشد. این تصور والدینی است که مدعی هستند در تنبیه کودک اهداف خیرخواهانه دارند.»

دکتر «سعید پیوندی»، جامعه‌شناس و استاد دانشگاهی که در حوزه علوم تربیتی و آموزشی فعالیت می‌کند، بر این باور است که معلم می‌تواند یک واسطه موثر و حیاتی بین کودک آسیب‌دیده و نهادهای مدنی و حمایت‌گر باشد.

این جامعه‌شناس معتقد است حمایت از کودکان آسیب‌دیده از خشونت خانگی نیازمند تخصص است. مثلاً یک معلم ریاضی که دوره‌های مخصوص روان‌درمانی ندیده، قادر نیست به چنین کودکی کمک تخصصی چندانی بکند. اما با شناسایی و توجه به کودکانی که مضطرب بوده و به نظر می‌رسد در معرض خشونت خانگی بوده‌اند، باید آنها را به متخصصان ارجاع داد.

او به نقش هشداردهنده و آموزشی معلم به عنوان حلقه ارتباطی بین کودک و خانواده اشاره می‌کند: «معلم می‌تواند با خانواده کودکی که به نظر مضطرب می‌رسد، وارد گفتگو شده و پیامدهای روحی و روانی خشونت را برای آن‌ها روشن کند. او می‌تواند سرانجام منفی خشونت و تاثیر آن بر یادگیری کودک را یادآوری کند.»

این پژوهش‌گر به جای خالی یک نهاد حمایت‌گر که قدرت اجرایی کافی در حوزه حمایت از کودکان آسیب‌دیده داشته باشد اشاره می‌کند: «در فرانسه روانشناس مدرسه با کودکان نیازمند به مشاوره برخورد فعال می‌کند. دانش‌آموزان می‌توانند از طریق شماره تلفنی که در مدرسه به آن‌ها داده شده، موارد خشونت خانگی را گزارش بدهند و این کودکان حتی اگر نسبت به این گزارش‌ها میلی نشان ندهند، با دقت و توجه خاصی در مدرسه شناسایی شده و به پلیس ارجاع داده می‌شوند.»

او می‌گوید این خشونت‌ها در خانواده مهاجران به کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است: «تجربه من نشان می‌دهد دخترانی که در خانواده‌های مسلمان بزرگ می‌شوند، بیشتر از بقیه کودکان در معرض خشونت خانگی هستند. سخت‌گیری در مورد پوشش یا زمان رفت و آمد آن‌ها بهانه‌ای برای بروز خشونت می‌شود. در این موارد مدرسه و معلم و روانشناس تربیتی نقش واسطه و شناسایی‌کننده دارند و پیگیری پرونده را به پلیس ارجاع می‌دهند.»

دست‌اندرکاران مدرسه به جز آموزش بنیادین کودکان در خصوص حقوق طبیعی و انسانی آن‌ها و شیوه برخورد با فرد متجاوز یا خشونت‌گر در خانواده، می‌توانند خود نسبت به شناسایی کودکان آسیب‌دیده و حمایت از آنها نقش غیرقابل انکاری داشته باشند. شاید به دلیل اهمیت همین نقش است که آموزش معلمان و مدیران مدارس برای شناسایی و مقابله با اشکال پیچیده و مختلف خشونت بر پایه روش‌های نوین رفتارشناسی انسان عصر جدید ضروری است.

خشونت خانگی و نقش معلمان در مقابله با آن

در نوزدهمین میزگرد خانه امن نقش معلمان در مقابله با خشونت خانگی، انواع خشونت علیه کودکان و علائم هشداردهنده آنها و اقدامات عملی مربیان و مدرسه در جهت کمک به کودکان بررسی می‌شود. پروین صمدزاده، روانشناس و مددکار اجتماعی، سخنران میهمان این میزگرد است که در ۳۲ سال گذشته با سازمان خدمات خانواده تورنتو به عنوان مشاور و حامی زنانی که قربانی خشونت خانگی بوده‌اند همکاری کرده و پیش از آن نیز در زمینه کمک به کودکان مهاجر و خانواده‌هایشان در آموزش و پرورش تورنتو فعالیت داشته است.

راهنمای کمک به کودکان و نوجوانان در معرض ضربات روحی



مترجم: فرخ نیک مرام

نکاتی درباره گفت و گو و کمک کردن به کودکان و نوجوانان، برای آنکه بتوانند با فجایع و وقایعی که ضربه روحی بر جای می‌گذارند، کنار بیایند.

حمایت و قوت قلب دادن از سوی بزرگترها کلید کمک به کودکان در دورانی است که ایجاد ضربات روحی می‌کنند.

کودکان و جوانان پس از وقایعی که ضربه روحی به همراه دارند، مانند تصادف رانندگی یا خشونت ممکن است، دچار فشار عاطفی و روحی شوند. فجایع نیز ممکن است تأثیرات زیان آور بلند مدت بر جای بگذارند. وقتی که کودکان ضربه روحی را تجربه می‌کنند، آن را در تلویزیون تماشا می‌کنند یا در میان گفتگوهای دیگران در مورد آن می‌شنوند، ممکن است دچار ترس، گنجی یا اضطراب شوند. جوانان در برابر این ضربات واکنش‌های متفاوتی از بزرگسالان دارند. گروهی ممکن است بلافاصله واکنش نشان دهند و گروهی ممکن است مدت‌ها بعد، علائم مشکل را از خود نشان دهند. در نتیجه بزرگسالان همیشه نمی‌دانند که کودکان چه زمانی نیازمند کمک برای کنار آمدن با آن ضربه هستند. این برگه به والدین، پرستاران و معلمان کمک می‌کند واکنش‌های متداول را شناسایی کنند، نسبت به آنان واکنش درست نشان دهند و بدانند چه زمانی باید از متخصصان کمک بگیرند.

واکنش‌های احتمالی به وقایع ضربه زننده

بسیاری از واکنش‌های زیر در میان کودکان و جوانان در هنگام اداره کردن فشار (استرس)، بلافاصله پس از واقعه طبیعی هستند. اگر هر یک از این واکنش‌ها بیش از 2 تا 4 هفته ادامه پیدا کنند، یا این که پس از مدتی ناگهان بروز کردند، کودک مورد نظر ممکن است برای کنار آمدن با ضربه به کمک نیاز داشته باشد.

کمتر از پنج سال - کودکان پیش دبستانی

کودکان بسیار کوچک ممکن است دوباره شروع به مکیدن شست کنند یا شب‌ها رخت خوابشان را خیس کنند. ممکن است از غریبه‌ها، تاریکی یا غول بترسند. در میان کودکان پیش دبستانی بسیار رایج است که کودک مدام به والدین، پرستار یا معلم بچسبد یا بخواهد مدام در جایی باشد که احساس امنیت کند. ممکن است بارها در هنگام بازی به ضربه مذکور اشاره کند، یا در تعریف ماجرا غلو کند. عادات خواب و خوراک بعضی کودکان ممکن است تغییر کند یا بعضی کودکان ممکن است دچار دردهایی شوند که قابل توضیح نیستند. سایر علائمی که باید به آنان دقت کرد عبارتند از خشونت، گوشه‌گیری، بیش‌فعالی، مشکلات تکلم یا سرکشی.

- شوند. این کودکان ممکن‌قدر به درک ضربه روانی نیستند، اما متوجه ناراحتی پرستارشان می‌گردد. **2 سال: - نوزادان و نوپایان** است واکنش‌هایی مشابه پرستاران خود نشان دهند یا رفتارهای متفاوت مانند: گریه بی دلیل، دوری از دیگران یا بازی نکردن با اسباب بازی‌هایشان داشته باشند.
- عادت [فرد یا چیزی] قادر به درک تاثیرات ضربه هستند. ممکن است نتوانند به تغییرات یا از دست دادن **3 تا 5 سال: - کودکان** کنند. ممکن است برای احساس بهتر داشتن به کمک بزرگسالان نیاز داشته باشند.
- ممکن است در این بازه سنی رفتارهایی مشابه کودکان کوچکتر داشته باشند. **6 تا 19 سال: - کودکان تا نوجوانان** های خودممکن است از انجام کارهای مدرسه یا مسئولیت [این کودکان] معمولاً نیاز به توجه بیشتری از سوی والدین یا پرستاران دارند. در خانه سر باز زنند. پاره‌ای از جوانان ممکن است دچار احساس گناه شوند، چرا که آنها در پاسخ به فاجعه یا ضربه، توان ایفای نقش بزرگترهای خانواده یا اجتماع را در خود نمی‌بینند.
- های خود وقت نگذرانند. ممکن است تمرکزممکن است از رفتن به مدرسه بترسند و دیگر با هم سن و سال **6 تا 10 سال - کودکان** خود را از دست بدهند و یا به طور کلی در مدرسه دچار افت شوند. بعضی ممکن است بدون دلیل مشخص پرخاشگر شده یا کارهای کودکان کوچکتر را انجام دهند. مثلاً ممکن است بخواهند که والدین یا پرستارشان لباسشان را عوض کنند یا به آنها غذا بدهند.
- شوند، پس ممکن است کنار آمدن بابه دلیل رشد دچار تغییرات بدنی و عاطفی زیادی می‌گردد. **11 تا 19 سال - نوجوانان و جوانان** ضربات برای آنها دشوارتر باشد. در سنین بالای نوجوانی افراد ممکن است این واکنش‌ها را برای خود و دیگران انکار کنند. ممکن دانند که چه‌یا سکوت در هنگام ناراحتی پاسخ دهند. ممکن است از دردهای گوناگون گله کنند چون نمی‌«خوبم» است تنها با پاسخ چیزی آنها را از درون، دچار آزار عاطفی کرده است. بسیاری در خانه و مدرسه یکی به دو کرده، در مقابل هر گونه چارچوب یا قدرت بالاتر مقاومت می‌کنند. آنها ممکن است به رفتارهای خطرناک مانند مصرف الکل یا مواد مخدر نیز روی بیاورند.

والدین، پرستاران و معلمان چگونه می‌توانند به بهبود کودکان کمک کنند

خبر خوش این است که کودکان و جوانان بسیار انعطاف‌پذیرند. معمولاً پس از ضربه به سرعت خوب می‌شوند. با حمایت درست از سوی [بزرگترها با آنان] احساس کنند که کنند. مهمترین راه برای کمک کردن به این کودکان این است که بزرگترها بهبود پیدا کرده و رشد می‌ارتباط دارند، برایشان اهمیت قائل هستند و دوستشان دارند.

- والدین، پرستاران و معلمان می‌توانند به کودکان کمک کنند که از راه گفتگو، نوشتن، نقاشی و خواندن احساسات خود را ابراز کنند. بیشتر کودکان دوست دارند در مورد ضربه حرف بزنند؛ به آنها اجازه این کار را بدهید. احساساتشان را بپذیرید و به آنها بگویید که **خوبی دقت کنید که شنونده غمگین، ناراحت یا نگران بودن ایرادی ندارد.** گریه معمولاً راهی برای تخلیه فشار عصبی و غم است. **باشید.**
- بزرگترها می‌توانند از کودکانی که نگهداری می‌کنند بپرسند در مورد واقعه‌ای که رخ داده است چه می‌دانند. در مدرسه چه می‌شوند و در تلویزیون چه می‌بینند. تلاش کنید که همراه آن‌ها بر روی اینترنت یا در تلویزیون به اخبار گوش دهید. کمی محدودشان کنید که زمان کافی داشته باشند از چیزهایی که یاد آور ضربه هستند دور بمانند. اجازه ندهید که گفتگو در مورد ضربه به طور طولانی مدت در خانه یا **به آنها اجازه سوال پرسیدن بدهید.** کلاس بحث غالب باشد.
- بزرگسالان می‌توانند به کودکان کمک کنند تا چیزهای خوبی که از آن ضربه می‌توانند بیرون بیایند را ببینند. کارهای قهرمانانه، کمک هستند. کودکان ممکن است از [از این چیزهای خوب] هایی‌هایی که از سوی جامعه انجام می‌شود نمونه‌خانواده و دوستان و حمایت راه کمک به دیگران بهتر بتوانند با ضربه کنار بیایند. آنها می‌توانند به افرادی که مورد صدمه قرار گرفته‌اند یا خانه‌شان را از دست داده‌اند **ها را تشویق کنید. این گونه فعالیت** های تشکر بنویسند. اند نامه‌توانند به کسانی که کمک کرده‌های پر مهر بنویسند. می‌نامه اگر خشونت یا خطای انسانی موجب واقعه‌ای شده است، مراقب باشید گروه فرهنگی، قومی یا نژادی، به خصوص افرادی با ناتوانی‌های **به کودکان بفهمانید** باشد. [در جامعه] تواند فرصت مناسبی برای گفتگو در مورد تبعیض و گوناگونی ذهنی را ملامت نکنید. این می‌ **که آنان مقصر اتفاقات بد نیستند.**
- اشکالی ندارد که کودکان بزرگسالان را ناراحت یا در حال گریه ببینند، اما تلاش کنید احساسات شدید نشان ندهید. فریاد کشیدن و به

خشونت ممکن است کودکان را بیشتر بترساند یا به ضربات بیشتری به تواند برای کودکان ترسناک باشد. در و دیوار لگد زدن می آنها وارد کند.

- بزرگسالان می توانند به کودکان و جوانان نشان دهند که چگونه از خود مراقبت کنند. اگر شما در سلامت بدنی و روحی به سر ببرید، مراقبت از خود را به نمایش بگذارید، کارهای روزمره را انجام دهید بیشتر برای کمک به کودکان مورد حمایتتان آماده باشید. می دهید، غذای سالم بخورید، به اندازه کافی بخوابید، ورزش کنید و برای اداره فشار (استرس) نفس عمیق بکشید.

نکاتی در مورد گفتگو با کودکان و جوانان در گروه‌های سنی مختلف، پس از فجایع و وقایعی که ایجاد ضربه روحی می کنند

زیر 5 سال - کودکان پیش دبستانی

این کودکان را زیاد مورد نوازش و حمایت کلامی قرار دهید:

- پیش از بغل یا بلند کردن آنان نفس عمیق بکشید و بر روی آنان، و نه ضربه، تمرکز کنید.
- هم سطح چشمانشان قرار بگیرید و با صدایی آرام و با کلماتی که برایشان قابل درک است سخن بگویید.
- به آنان بگویید که همچنان دوستشان دارید و همچنان از آنان مراقبت می کنید تا احساس امنیت کنند.

6 تا 19 سال - کودکان تا نوجوانان

کودکان و جوانان در این گروه سنی را پرورش دهید

- از کودکان یا کودکانی که از آنان نگهداری می کنید بپرسید که چه چیزی آنان را نگران می کند و چه چیزهایی می تواند به آنان کمک کنار بیایند. [با ضربه] کند تا
- با کلمات ملایم و در زمان‌هایی که مناسب باشد با در آغوش گرفتن، یا تنها با حضور خود به آنان آرامش دهید.
- حتی برای دوره‌ای کوتاه با کودکان بیش از حد معمول وقت بگذرانید. بازگشتن به مدرسه و کارهای روزمره در خانه هم از اهمیت برخوردارند.
- برای یک یا دو روز کودکانی که دچار ضربه شده‌اند را از کار خانه معاف کنید. پس از آن، اطمینان حاصل نمایید که فعالیت‌های متناسب با سنشان را انجام می دهند و به نوعی مشارکت می کنند. این عمل به آنان حس مفید بودن می دهد.
- از وقت گذراندن آنها با هم سنی‌هایشان و اوقات تنهایی و سکوت برای نوشتن یا خلق آثار هنری حمایت نمایید.
- کودکان را تشویق کنید تا در فعالیت‌های سرگرمی شرکت داشته باشند و به این طرف و آن طرف بروند و با دیگران بازی کنند.
- به ضربه روحی خودتان پردازید و از خشونت جسمی، منزوی کردن، تنها گذاشتن و مسخره کردن کودکان بپرهیزید.
- کاری کنید که کودکان بدانند برای شما مهم هستند. برای انجام فعالیت‌های خاص با آنها وقت صرف کنید و بدون این که فضولی کنید، به آنها سرکشی کنید.

که نشان دهنده احساسات و [های اجتماعی مراقب باشید کودکان را مجبور به حرف زدن در مورد ضربه یا شرکت در فعالیت هشدار: شوند. برخی کنند، برخی از کودکان دچار ترس می‌نکنند. اگرچه بسیاری از کودکان به راحتی در مورد وقایع صحبت می [افکار باشند ممکن است در اثر سخن گفتن از واقعه، گوش کردن به صحبت‌های دیگران یا دیدن نقاشی‌های مربوط به واقعه مجددا دچار ضربه شوند. به کودکان اجازه دهید که از چنین جلساتی کناره بگیرند و دقت کنید که آیا نشانه‌های پریشانی از خود نشان می دهند یا خیر.

زمانی که کودکان، جوانان، والدین، پرستاران و معلمان به کمک بیشتر نیاز دارند

در مواردی کودک و خانواده‌اش ممکن است برای عبور از ضربه دچار مشکل شوند. والدین یا پرستاران ممکن است از این که کودک را تواند متفاوت است. همکاری همه با هم می [رفتارش] تنها بگذارند بترسند. معلمان ممکن است متوجه شوند که کودکی ناراحت است یا کمک بزرگی باشد. گفتگو با یک متخصص بهداشت روانی برای پیدا کردن محدوده‌های مورد اشکال را در نظر بگیرید. در کنار هم، همه می توانند تصمیم بگیرند که چگونه باید کمک کرد و چگونه باید از یکدیگر آموخت. اگر کودک عزیزی را از دست داده است، همکاری با کسی که می‌داند چگونه با کودکان عزادار کار کند را در نظر بگیرید.

[لینک مطلب](#)